

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

برگردان از: حمید محوی

۰۴ نومبر ۲۰۱۲

استعمار در آسیا

کارل مارکس و فردریش انگلس

۱۵

۱۸

کارل مارکس

جنايات انگلیسی ها در چین

نوشته ۲۲ مارچ ۱۹۵۷

نیویورک دیلی تریبون شماره ۴۹۸۴

۱۰ اپریل ۱۸۵۷

چند سال پیش از این وقتی اخبار دهشتناک اعمال شکنجه در هند به اطلاع پارلمان رسید، سر جیمز هوگ (۱) یکی از رؤسای عالی مقام و محترم کمپانی هند شرقی با صراحت کامل چنین خبرهایی را بی پایه و اساس خواند. با این وجود تحقیقات بعدی صحت روایات مزبور را تأیید کرد و حاکی از این امر بود که رؤسای کمپانی نیز به خوبی از آن آگاهی داشته اند، و سر جیمز عمداً تظاهر به بی اطلاعی کرده و در پی کتمان جنایاتی بوده است که بر دوش کمپانی سنگینی می کند. لرد پالمستون، نخست وزیر فعلی انگلستان، کنت کلاراندن (۲)، وزیر امور خارجه نیز در موقعیت مساعدی به نظر نمی رسند. در آخرین ضیافتی که توسط شهردار لندن برگزار شده بود، لرد پارلمستون برای توجیه شقاوت هائی که علیه چینی ها صورت گرفته اظهار داشت که :

«...با این وجود، خلاف آن چه در این مورد گفته شده است، ما بر این عقیده هستیم که اقدامات انجام گرفته ضروری و حیاتی بوده اند. ما آگاه بودیم که اتهام سنگینی روی کشور ما سنگینی می کند. ما آگاه بودیم که هم وطنان ما در بخش دور افتاده ای از جهان مورد اهانت قرار گرفته بودند و علیه آنها خشونت هائی صورت گرفته بود که

نمی توانست بدون پاسخ بماند. (در اینجا حضار دست می زنند) ما آگاه بودیم که حقوق رسمی که طبق قرارداد برای کشور ما باز شناخته شده بود پایمال شده بود، عکس العمل آنهایی که مأموریتشان دفاع از منافع ما در این بخش از جهان است، در برابر چنین ناسزاگویی ها و خشونت هائی، کاملاً قابل درک است. ما آگاه بودیم که اگر اقداماتی را که ضروری و سزاوار می دانستیم انجام ندهیم، به اعتمادی که شهروندان کشورمان به ما داشته اند خیانت کرده ایم. ما انجام وظیفه کردیم (در اینجا دوباره حضار دست می زنند).»

با توجه به چنین توضیحی، به هر اندازه ای که ملت انگلستان و بقیه جهان بتوانند تحت تأثیر چنین اظهارات مطلوب و حقیقت نمائی قرار گیرند، صاحب مجلس خودش چندان به آن باور ندارد، و اگر باور داشته باشد در این صورت به انکار آگاهانه و به جنایات عمدی و غیر قابل توجیهشان خیانت خواهد کرد. نخستین گزارشاتی که از درگیری های چین به دست ما رسیده است، جار و جنجال هائی نیز در روزنامه هائی دولتی در انگلستان و بخشی از نشریات امریکائی به پا داشته که انباشته است از اتهامات متعدد علیه چین- اتهامات افتراء آمیز درباره زیر پا گذاشتن الزامات قرارداد، ناسزاگویی به ساحت بریتانیا، رفتارهای تحقیر آمیز علیه خارجیانی که در سرزمین آنها به سر می برند و غیره.

با این وجود هیچ یک از اتهامات به طور مشخص ارائه نشده، و هیچ واقعه ای که بتواند چنین افشاءگری هائی را تأیید کند وجود ندارد، البته به جز مورد «لورشا آرو» (۳) که در آن رویدادهای دروغین و در زبان تصنعی پارلمانی به شکلی ارائه شده است که هر کسی را که واقعا بخواهد بدانند چه گذشته است، گمراه خواهد کرد.

لورشا آرو کشتی کوچکی است که توسط چینی ها ساخته شده، ولی انگلیسی ها آن را به خدمت گرفته بودند. و مجوز موقتی نیز برای عبور و مرور این کشتی با پرچم انگلیس صادر شده بود. پیش از آن که موضوع «فحاشی» مطرح گردد، موعد مجوز مزبور به پایان رسیده بود. این کشتی توسط قاچاقچیان نمک مورد استفاده قرار می گرفت و افرادی که در آن خدمت می کردند غالباً از بزهکاران و دزدان دریائی بودند. مقامات چینی از مدتها پیش رد آنها را جست و جو می کردند و می خواستند آنها را بازداشت کنند. در حالی که این کشتی در ساحل کانتون، بی پرچم لنگر انداخته بود، پولیس متوجه حضور آنها شده و با موفقیت آنها را دستگیر می کند. فرایند این حادثه کاملاً مشابه با همانی ست که در بنادر ما روی می دهد، و پولیس به محض این که از مخفی گاه بزهکاران و دزدان دریائی در یکی از کشتی های کشور و یا بیگانه مطلع می شود، به دستگیری آنها اقدام می کند. ولی از آن جایی که در این بازداشت ظاهراً امور ملکی زیر علامت سؤال رفته و پایمال شده بود، ناخدای کشتی به کنسول انگلیس مراجعه می کند. کنسول، مرد جوانی است که اخیراً در این پست گماشته شده، و علاوه بر این اطلاعاتی که از او داریم، فردی است با روحیه تند و تحریک آمیز. از روی عرشه کشتی به نام دفاع از مالکیت خصوصی، باب مذاکرات تهدید آمیزی را با پولیس می گشاید، در حالی که آنها تنها انجام وظیفه کرده بودند، و دعاوی او به هیچ نتیجه ای نمی رسد. با عجله به کنسولگری باز می گردد، و نامه ای برای والی کل استان کوانگ-تونگ (۴) می نویسد و آمرانه خواهان معذرت خواهی می شود، و هم زمان پیامی به سر جان بورینگ (۵) و آدمیرال سیمور (۶) به هونگ-کونگ ارسال می کند و مدعی می شود که خود او و پرچم کشورش به شکل غیر قابل تحملی مورد اهانت قرار گرفته است، و مشخصاً اظهار می دارد که آن روزی که مدتها انتظارش را می کشیدیم برای نمایش قدرت علیه کانتون فرا رسیده است.

والی یه (۷) با احترام و در آرامش به توقعات متکبران کنسول عصبانی و جوان بریتانیائی پاسخ می گوید، و به شرح دلایل بازداشت پرداخته و به خاطر سوء تفاهمی که در این مورد پیش آمده است اظهار تأسف می کند، و

قاطعانه اظهار می دارد که نیت او به هیچ وجه توهین به پرچم بریتانیا نبوده و افرادی را هم که قانوناً دستگیر کرده است، به خاطر وخامت اوضاع حاضر نیست آنها را در بند نگهدارد. ولی چنین پاسخی به نظر آقای کنسول پارکس (۸) قانع کننده نیست، و عذر خواهی باید به شکل رسمی انجام گیرد، و استرداد حقوق بریتانیا نیز باید تحت شرایط رسمی تحقق پذیرد، در غیر این صورت والی به باید مسئولیت نتایج آن را به عهده گیرد.

سپس آدمیرال سیمور با ناوگان انگلیس از راه می رسد و مکاتبات دیگری آغاز می گردد، انعطاف ناپذیر و خشن، سرد و بی روح از جانب آدمیرال و احترام از جانب کارگزار چینی. آدمیرال در حصارهای کانتون در خواست دیدار شخصی می کند. والی به در پاسخ می گوید که این درخواست خلاف تمام ملاقات های پیشین است و علاوه بر این سر ژرژ بنهام (۹) پذیرفته است که چنین درخواستی نباید تحمیل گردد.

ولی با کمال میل، در صورت لزوم حاضر است با او بیرون از حصارهای شهر ملاقات کند و یا در هر مکان دیگری که آدمیرال مایل باشد شخصا حضور به هم خواهد رساند، در صورتی که مبادی با عرف و آداب سنتی چین نداشته باشد. ولی چنین پیشنهادی به نظر نماینده پرخاشجوی قدرت بریتانیا در شرق خوشایند نیامد. بنا بر انگیزه هائی که مختصراً شرح دادیم - و بر اساس گزارشات رسمی که به اطلاع ملت انگلیس رسیده و آن را تأیید می کنند - جنگ ناعادلانه ای آغاز شد.

و شهروندان بی آزار و بازرگانان صلح طلب شهر کانتون قتل عام شدند، خانه هایشان زیر آتش توپخانه ویران گشت و حقوق بشر نیز پایمال گردید، و این همه تنها به این بهانه پوشالی که مدعی بود «زندگی و اموال انگلیسی ها در خطر اعمال خشونت آمیز چینی ها قرار گرفته است»! دولت بریتانیا و ملت بریتانیا - حداقل آنهایی که زحمت بررسی موضوع را به خود هموار کرده اند، می دانند که این اتهامات تا چه اندازه بی پایه و اساس هستند. سعی کردند توجهات را از موضوع اصلی منحرف سازند و به اذهان عمومی بقبولاند که موارد و شکایات متعددی پیش از حادثه لوراش آرو وجود داشته است و دلایل جنگ کاملاً قابل توجیه است. ولی این استدلالات متهورانه بی پایه و اساس است. شکایات چینی ها نود و نه درصد بیشتر از انگلیسی هاست.

نشریات و جراید انگلستان روی نقض روزمره و آشکار قرار دادها توسط خارجیانی که در چین زندگی می کنند و تحت الحمایه بریتانیا هستند، همواره سکوت اختیار می کنند! ما از معاملات غیر قانونی تریاک که به بهای جان انسان ها و زیر پا گذاردن اخلاق تمام می شود و درآمدهای آن سرانجام در خزانه مالی بریتانیا انباشت می گردد، هیچ اطلاعی نداریم. از بزهکاری های دائمی مأمورین پائین دست و به تاراج بردن درآمد قانونی دولت چین که از طریق حقوق گمرکات و ورود و خروج کالا به دست می آید هیچ اطلاعی نداریم. ما از وضعیت مهاجران و اجحافتی که بر آنها روا داشته می شود هیچ اطلاعی نداریم که چگونه آنها را به حد بردگی تنزل داده و در بنادر پرو و کوبا به فروش می رسانند. ما از خشونت افسار گسیخته علیه چینی هائی که طبیعتاً صلح جو هستند هیچ اطلاعی نداریم که چگونه مصیبت و ردالت را از طریق خارجیان وارد بنادر گشوده بروی تجارت آنها می کنند. ما از چنین واقعیاتی و بسیاری دیگر هیچ اطلاعی نداریم، زیرا اکثر افرادی که در چین زندگی نمی کنند به ندرت از شرایط اجتماعی و امور اخلاقی این کشور اظهار نگرانی می کنند، و در ثانی از نظر سیاسی صلاح نیست به موضوعاتی پرداخته شود که هیچ منفعت مالی در آن وجود ندارد. اوضاع به گونه ای ست که انگلیسی ها وقتی در کشور خودشان هستند، فراتر از بقالی که جای مورد نیازشان را از آنجا خریداری می کنند، نمی توانند ببینند، و به این ترتیب حاضر هستند تا هر دروغی را که وزارتخانه ها و نشریات به خورد مردم می دهند، ببلعند.

در طول این مدت، آتش زیر خاکستر، و نفرتی که علیه انگلیسی ها در طول جنگ تریاک افروخته شده بود، شعله فروزنده سبعتی را بر انگیزت که احتمالاً هیچ پیشنهاد صلح و دوستی نمی تواند آن را خاموش سازد.

پی نوشت

- 1) Sir James Hogg
- 2) Clarendon
- 3) Kouang-toung
- 4) Sir John Bowring
- 5) Seymour
- 6) Yeh
- 7) Parkes
- 8) Sir George Bonham

(۳) Lorcha Arrow: نام یک کشتی کوچک چینی